



Identifying the Audiences of (Q. 16:126)

Mohammad Hosein Vatheghy-Rad*

Received: 2021/6/1 | Accepted: 2021/10/18

Abstract

There are three viewpoints regarding the occasion of (Q. 16:126)'s revelation, as well as identifying its direct audiences. According to the first viewpoint, which seems the most popular one within Muslim scholars, the verse was revealed during the Uḥud battlefield, and its only addressee is the Prophet Muhammad (PBUH) himself. The narration explains that the Prophet wanted to take revenge on the Quraysh pagans, mutilating bodies of thirty or seventy of their slains, for the bloodlust of Ḥamza and other Muslim martyrs who were tragically mutilated by them. Thus, according to the first viewpoint, the mentioned verse was revealed and forbade Muhammad from doing so. of course, it is referred to two narrations from Ibn 'Abbās and Abu Ḥurayra to prove it. Nonetheless, these narrations are weak ones in terms of *isnād* and unreliable in terms of content as well. Moreover, they seem incompatible with the well-known personality of Prophet Muhammad (PBUH), as well as his religious teachings. However, there is another viewpoint that refers to a narration from Ubayy b. Ka'b, according to which, the verse in question was related to the words of *anṣār* and was revealed in the occasion of the conquest of Mecca. Although this second narration seems correct in terms of *isnad*, its content should be considered vague and false. Besides, the literal meaning of the verse gives no such an indication. The present article, which suggest the third viewpoint in this regard, attempts to indicate that this verse was revealed before the Prophet's migration to Medina, and its revelation was not affected by any special occasion, including the above mentioned suggested ones. On the basis of the textual appearances of the verse, it seems that (Q. 16:126) is stating a general ruling, like many other Qur'anic verses, without limiting its audience to any specific individual.



Keywords: Prophet Muhammad, Anṣār, Battle of Uḥud, Ḥamza, Punishment.

* Assistant Professor of the University of Art | m.h.vatheghyrad@gmail.com

▣ Vatheghy-Rad, M.H. (2022) Identifying the Audiences of (Q. 16:126). *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 7 (14) 169-188 . Doi: 10.22091/PTT.2021.5404.1744.





مخاطب‌شناسی در آیه ۱۲۶ سوره نحل

محمدحسین وائقی راد*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۶

چکیده

سه دیدگاه در شأن نزول و مخاطب آیه ۱۲۶ نحل وجود دارد. مشهور است که این آیات در جریان جنگ احد نازل شد و مخاطب آن فقط پیامبر(ص) است. زمانی که مشرکان قریش جنازه حضرت حمزه یا همه شهدا را مثله کردند، آن حضرت خواستند برای انتقام، سی نفر و به روایتی هفتاد نفر از آن‌ها را مثله کنند که این آیات نازل شد و از مجازات بازداشت. برای اثبات این موضوع، به روایت ابن عباس و ابوهریره استناد کرده‌اند که از نظر سند ضعیف و از نظر محتوا مخدوش است و با شخصیت پیامبر(ص) و آموزه‌های دینی سازگار نیست. دیدگاه دیگر آن است که این موضوع سخنان انصار بوده که خواستند انتقام شهدا را بگیرند و آیات در فتح مکه نازل شده و به روایت ابی‌بن کعب استناد شده که صحیح است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که این آیه و آیات مرتبط، پیش از هجرت نازل شده و شأن نزول خاصی ندارد و مخاطب آن عام و همه مسلمانان در تمام زمان‌ها هستند. ظاهر این آیات نیز دلیل است که همانند تعدادی از آیات دیگر حکم کلی را بیان فرموده است.



واژگان کلیدی: پیامبر(ص)، انصار، جنگ احد، حمزه، مجازات.

* استادیار دانشگاه هنر | m.h.vatheghyrad@gmail.com

□ وائقی راد، م.ح. (۱۴۰۰). مخاطب‌شناسی در آیه ۱۲۶ سوره نحل، دوفصل‌نامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۷ (۱۴)،

Doi: 10.22091/PTT.2021.5404.1744 .۱۶۹-۱۸۸



مقدمه

از میانه سده دوم قمری که تاریخ، تفسیر و حدیث‌نگاری آغاز گردید تاکنون، به آیه ۱۲۶ نحل توجه شده که مخاطب آن فقط پیامبر(ص) بوده است یا انصار یا همه مسلمانان. از آن زمان تاکنون بیش‌تر گفته‌اند مخاطب آن فقط پیامبر(ص) بوده و این موضوع شهرت گسترده یافته تا جایی که به نظر می‌رسد اتفاق نظر است. از سوی دیگر، این موضوع تاکنون نقد و بررسی سندی و محتوایی نشده است. پذیرش این موضوع که مخاطب آیه فقط رسول خداست چندین ایراد اساسی دارد. اما این که مخاطب انصار بوده و آیه در فتح مکه نازل شده، هرچند روایت صحیح بر آن دلالت دارد، قابل تأمل است.

برحسب گزارش‌ها و احتمالاتی که وجود دارد لازم است واکاوی شود که مخاطب آیه چه کسی یا کسانی بوده یا هستند و دلایل کسانی که گفته‌اند مخاطب آیه فقط پیامبر(ص) یا انصار بوده است نقد و بررسی گردد. گفتنی است که بسیاری از گزارش‌هایی که در تاریخ اسلام از دوره پیامبر(ص) در کتاب‌های تفسیر، سیره، تاریخ و حدیث شهرت یافته، بی‌پایه‌اند اما در عین حال مسلم فرض شده‌اند. عامل آن برخی نومسلمانان یهودی و مسیحی بوده‌اند که در دولت بنی‌امیه، اسرائیلیات را گسترش دادند؛ در نتیجه، واکاوی در آیات و روایات تاریخی اهمیت ویژه می‌یابد. از جمله این موارد، شأن نزول آیه ۱۲۶ نحل است. این واکاوی در این جا نیز از آن جهت اهمیت می‌یابد که ثابت شود گزارش‌های روایی که می‌گویند مخاطب آیه فقط پیامبر(ص) یا انصار بوده‌اند، باطل و ثابت شود که مخاطب آن همه مسلمانان از گذشته و امروز هستند. در این صورت این آیه امروز کاربرد وسیع دارد.

شأن نزول و مخاطب آیه ۱۲۶ سوره نحل

آیه ۱۲۶ نحل، یکی از آیاتی است که در تاریخ اسلام همیشه درباره اش بحث

کرده‌اند:

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ. وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَلُوبٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ. إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (نحل: ۱۲۶-۱۲۸)؛

«اگر بخواهید مجازات کنید، همانند آن‌چه انجام داده‌اند انجام دهید. پایداری کن و پایداری تو جز برای خداوند نیست. بر آن‌ها اندوهگین نباش و در تنگنای توطئه آن‌ها قرار نگیر. خداوند با کسانی است که تقوا پیشه ساخته و نیکی نموده‌اند».

در شأن نزول آیه و این که خطاب به چه کسی یا کسانی نازل شده است می‌توان دیدگاه و احتمالات مختلف را مطرح و مستندات آن را نقد و بررسی نمود.

۱. مخاطب آیه فقط رسول خدا (ص)

چنین شهرت یافته و بیش‌تر مفسران اهل سنت همین نظر را دارند. (طبری، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۷، ص ۳۲۲؛ ماوردی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۱؛ زمخشری، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۱۴؛ سمرقندی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲۹؛ بغوی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۱۰۳؛ ثعالبی ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۴۴۸؛ سمعانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۲۱۰)

ابن عجبیه گوید: "قال الجمهور: ... (۱۴۱۹ ق، ج، ص ۱۷۵)؛ و قرطبی گوید: "أَطَبَقَ جُمُهورُ أَهلِ التَّفْسِيرِ" (۱۳۸۴ ق، ج ۱۰، ص ۲۰۱)؛ و فخر رازی گوید: "القول الأول: وهو الذي عليه العامة... (۱۴۲۰ ق، ج ۲۰، ص ۲۸۸) و زحیلی گوید: "إن هذه الآية مدنية في رأي جمهور المفسرين، نزلت في شأن التمثيل بحمزة". (۱۴۱۸ ق، ج ۱۴، ص ۲۶۸)

گفته‌اند این آیه در جریان جنگ احد نازل شد، زمانی که پیامبر (ص) مشاهده کردند مشرکان قریش جنازه حضرت حمزه و به روایتی همه شهدا جز یک نفر را مثله کرده‌اند، آن حضرت برآشفند و فرمودند: "اگر بر قریش دست یابیم، سی نفر- و در روایت دیگر- هفتاد نفر آن‌ها را مثله خواهم کرد". در پی این سخن، این آیات نازل شد و دستور داد که اگر خواستید مجازات کنید باید مثل جنایت آن‌ها باشد و بیش‌تر از آن نباشد اما اگر مجازات نکنید و صبر کنید این برای صابران بهتر است.

پیروان این دیدگاه برای اثبات این موضوع، به روایت ابن عباس و ابوهریره استناد نموده‌اند و در نتیجه شهرت، گسترده یافته تا جایی که ادعای اجماع شده است.

این دیدگاه از نظر استنادات روایی و محتوای آن‌ها و ظاهر آیه بررسی می‌گردد:

الف) از نظر استنادات

روایت اول: ابن عباس

از آن جا که به متن این روایت استدلال و اسناد آن نقد شده، ناگزیر بخشی که لازم بود آورده می شود:

«حدثنا الحسن بن علي العمري، ثنا أحمد بن أيوب بن راشد البصري، ثنا عبدالأعلى عن محمد بن إسحاق، حدثني محمد بن كعب القرظي والحكم بن عتيبة عن مقسم ومجاهد عن ابن عباس، قال: لما وقف رسول الله صلى عليه وآله على حمزة فنظر إلى ما به قال: لولا أن تحزن النساء ما غيبته، و لتركته حتى يكون في بطون السباع و حواصل الطيور حتى يبعثه الله مما هنالك قال: وأحزنه ما رأى به، فقال: لئن ظفرت بقریش لأمتلن بثلاثين رجلاً منهم. فأنزله الله عز وجل في ذلك وإن عاقبتم...» (هيثمي، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۷۴؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۶۲؛ بغوی ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۰۳؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۱)

تاریخ نویسان و سیره نگاران نیز همین گزارش را آورده اند. (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۵۲۹؛ واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۰؛ ابن هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۰۱؛ ابن اسحاق، ۱۹۸۸م، ص ۳۳۵)

پیامبر وقتی جنازه حمزه را دید فرمود:

«اگر زنان اندوهگین نمی شدند او را دفن نمی کردم، و امی گذاشتم تا از شکم درنگان و چینه دان پرندگان برانگیخته شود».

ایشان بسیار اندوهگین شده، فرمودند:

«اگر بر قریش دست یابم، سی نفر از آنها را مثله خواهم کرد».

این روایت که یکی از مستندات این دیدگاه است از چند جهت اشکال دارد:

۱. ابن عباس در جنگ احد حضور نداشت و کودک بود. روایات او در این باره اعتبار ندارد.

۲. مقسم نیز به صراحت توثیق نشده است. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۸، ص ۴۶۱، ح ۶۱۶۶)

۳. محمد بن کعب قرظی از قبیله بنی قریظه بوده که برحسب گزارش تاریخ نگاران، تمام مردان آنها به حکم سعد بن معاذ اعدام شدند (ابن هشام، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۹۹؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۵۸۷) و پدر وی چون به سن تکلیف نرسیده بود اعدام نشد (بخاری، بی تا،

ج ۱، ص ۲۱۶؛ مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۶، ص ۳۴۰، ش ۵۵۷۳؛ لذا طبیعی است که کینه اسلام را در دل داشته باشد. وثاقت او نیز محرز نیست و نمی‌توان به روایتش استناد کرد. نیز وی در زمان رسول خدا(ص) نبوده است یا تازه متولد شده بود (همان)؛ از این رو روایات او مرسل است و فاقد اعتبار.

۴. محمد بن اسحاق نیز همان کسی است که سیره پیامبر را نوشته و ابن هشام آن را بازنویسی نموده است. وی تعدادی از گزارش‌ها را از محمد بن کعب قرظی یا دیگر یهودیان روایت کرده است. مالک، یحیی بن معین، عباس دوری و عبدالله او را تأیید نکرده‌اند. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۴، ص ۴۲۳)

۵. احمد بن ایوب که در سلسله سند این گزارش قرار دارد نیز توثیق نشده است. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۶۹)

در نتیجه این روایت از نظر سند ضعیف و قابل استدلال نیست.

روایت دوم: ابوهریره

«حدثنا محمد بن النضر الأزدي، ثنا خالد بن خدش، وحدثنا محمد بن الفضل السقطي، ثنا سعيد بن سليمان، قال: ثنا صالح المري عن سليمان التيمي عن أبي عثمان النهدي عن أبي هريرة أن النبي صلى الله عليه وآله يوم أحد نظر... ثم حلف وهو واقف مكانه: والله لأمثلن بسبعين منهم مكانك. فنزل القرآن وهو واقف في مكانه لم يبرح بعد: * وإن عاقبتهم... * فكفر رسول الله صلى الله عليه وآله وأمسك عما أراد». (بزاز، ۲۰۰۹م، ج ۱۷، ص ۲۱، ح ۹۵۳۰)

در این گزارش آمده که هفتاد نفر آن‌ها را مثله خواهم کرد. این آیه در همان لحظه نازل شد و رسول خدا(ص) کفارهٔ قسم پرداخت کردند. این روایت نیز از نظر سند مردود است؛ زیرا اولاً ابوهریره در جنگ احد نبوده و وی نیز از کسانی است که روایت جعل می‌کرد. ثانیاً صالح مری که در سلسله سند قرار دارد نیز ضعیف است و این گزارش‌ها درباره او رسیده: "روایاتش منکر است؛ ضعیف است؛ متروک است؛ ارزش ندارد".

«وقال إبراهيم بن يعقوب الجوزجاني: كان قاصا واهي الحديث. وقال البخاري: منكر الحديث. وقال أبو عبيد الآجري: قلت لابي داود: يكتب حديث، صالح المري؛ فقال: لا. وقال النسائي: ضعيف الحديث، له أحاديث مناكير. وقال في موضع آخر: متروك الحديث. وقال صالح بن محمد البغدادي:

كان يقص و ليس هو شيئاً في الحديث، يروي أحاديث مناكير عن ثابت البناني، وعن الجريري، وعن سليمان التيمي أحاديث لا تعرف. (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۳، ص ۱۹، ح ۲۷۹۶)

پس دست کم دو نفر از راویان این گزارش به جا‌علان حدیث معروفند و به نظر می‌رسد روایت پیشین را نیز همین افراد ساخته باشند. طبری از ابن حمید و او از محمد بن اسحاق و او از برخی اصحابش از عطا بن یسار آورده که گوید:

«تمام سورة نحل در مکه نازل شده جز سه آیه آخر که در جنگ احد نازل گردید زمانی که مشرکان قریش جنازه حمزه را مثله کرده بودند و پیامبر فرمود: "اگر بر مشرکان دست یابم، سی نفر آن‌ها را مثله خواهم کرد." انصار نیز همین را گفتند و آیه نازل شد...» (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۳۲۳)

این گزارش نیز بدون سند نقل شده و دیدگاه شخصی عطاء بن یسار که از صحابه نیست، نمی‌تواند شأن نزول را ثابت کند.

(ب) از نظر محتوا

این روایات از نظر محتوا نیز از چند جهت اشکال دارد:

۱. در روایت ابن عباس آمده که پیامبر خطاب به جنازه حضرت حمزه فرمود: "اگر اندوه بعد از تو نمی‌بود، جنازه‌ات را رها می‌کردم تا از گروه‌های مختلف محشور می‌شدی"؛ یعنی دفن نمی‌کردم تا پرندگان و حیوانات آن را بخورند. این سخن از آموزه‌های دین و دستور اسلام نیست که جنازه را دفن نکنند تا طعمه حیوانات شود. دفن شهدا و مردگان از ضروریات اسلام بلکه ادیان است. چگونه رسول خدا(ص) خواسته برخلاف این دستور واجب دین عمل کند؟! حرمت و بزرگواری مردگان نیز به ویژه شهیدی چون حضرت حمزه(ع) در آن است که دفن شوند.

۲. فرمود: "اگر بر قریش دست یابم، سی نفر از مردان آن‌ها را مثله خواهم کرد". مثله نمودن کشتگان از آموزه‌های دین نیست و از آن نهی شده است. حاکم روایت کرده که رسول خدا(ص) هیچ سخنرانی نفرمود مگر آن که به صدقه دستور دادند و از مثله منع کردند (بخاری، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۸۵، ح ۴۱۲۹؛ حاکم، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۳۳۸، ح ۷۸۴۳). زمخشری همین روایت ابوهریره را آورده و در پایان گوید: "لیکن به دلیل روایات، اختلافی در حرمت

مثله نیست هر چند نسبت به سگ درنده " (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۵۴؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۷۵)؛ البته این موضوع نیز ثابت نیست که پیش از جنگ احد مثله جایز و پس از آن جنگ حرام شده باشد.

۳. اگر این کار برای انتقام انجام شود، دلیلی ندارد که انتقام زنی مثل هند که مرتکب جنایت شده، از افراد دیگری به ویژه مردگان یا کشته شدگان که تکلیف هم ندارند گرفته شود؛ چون مثله نمودن حضرت حمزه (ع) کار همه مشرکان قریش نبود بلکه هند و چند نفر دیگر انجام دادند. اگر بنا بر مجازات بود باید همین جنایت کاران مجازات می شدند نه افراد دیگر. این موضوع عادلانه نیست و با روح اسلام ناسازگار است.

اما اگر به عنوان مجازات مردگان باشد باز هم نه حق است نه عادلانه؛ زیرا به هر شکلی با کشته‌های مشرکان رفتار شود، تأثیری در آنها ندارد و انتقام از کشتگان، منطقی و از آموزه‌های اسلام نیست؛ زیرا جنازه هیچ احساسی ندارد.

۴. قصاص از جنازه افرادی که مرتکب چنین جنایتی نشده‌اند آن هم به انگیزه خشم درونی و عاطفی، از اخلاق پیامبران، به ویژه پیامبر اسلام (ص) به دور است که از سر احساسات و برخلاف رضای خداوند انتقام گیرد و خداوند او را از این اقدام منع کند. این آیه و روایات، بر این موضوع نیز دلالت نمی کنند که مثله پیش از این جایز و تصمیم رسول خدا (ص) بر اساس حکم پیشین بوده تا این که این آیه نازل شده و حکم پیشین را نسخ کرده باشد.

۵. در روایت ابوهریره تصریح شده که رسول خدا (ص) سوگند یاد کردند و این آیه در همان مکان نازل شد و ایشان قسم خورده بودند و چون آن را به دستور خداوند انجام ندادند و مخالفت قسم شد، ناگزیر کفاره قسم پرداخت کردند. این محتوا نیز باطل است؛ زیرا کفاره در جایی ثابت است که شخص مرتکب خطا شده و عمداً به سوگندش عمل نکرده باشد، در حالی که رسول خدا (برفرض اثبات قسم) به دستور خداوند عمل کرده و عمداً نبوده است.

۶. این روایات بر این موضوع دلالت می کنند که رسول خدا (ص) از سر احساسات چنین تصمیمی گرفت در حالی که قرآن می فرماید: *وما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى

یوحی* (نجم: ۳-۴) و آن را نفی می‌کند و می‌گوید: آن حضرت هرگز سخنی بر اساس هوای نفس نفرموده است. بی‌شک هر روایتی بر خلاف قرآن باشد باطل است.

روایت سوم: عیاشی

عیاشی در تفسیرش از قول پیامبر (ص) آورده که ایشان وقتی جنازه حضرت حمزه را دیدند فرمودند: "اگر پیروز شوم مثله خواهم کرد". (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۸۵) این روایت نیز از نظر سند ضعیف است و استدلال ناپذیر؛ زیرا عیاشی معاصر کلینی و در گذشته به سال ۳۲۹ بوده (تهرانی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۷۰)، در حالی که آن را بی‌واسطه و سند از حسین بن حمزه و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فاصله بسیار و واسطه حذف شده است.

روایت چهارم: حسین بن حمدان

مجلسی در بحار روایتی از حسین بن حمدان آورده که "ما هفتاد نفر بودیم در سال ۲۵۹ خدمت امام عسکری علیه السلام به سامرا رفتیم تا ولادت امام عصر را تبریک بگوییم... و از پنج تکبیر در نماز میت پرسیدیم. فرمود: «وقتی حضرت حمزه شهید شد، پیامبر فرمودند: "به هر تار موی حمزه هفتاد نفر آن‌ها را خواهم کشت" و این آیه نازل شد». (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۸، ص ۳۹۵) این گزارش نیز از چند جهت باطل و بی‌اساس است؛ زیرا در شرح حال حسین بن حمدان آمده که فاسدالعقیده و دروغ گو بوده و لعنت شده است و به او توجه نمی‌شود (اردبیلی، ۱۳۳۱، ج ۱، ص ۲۳۷)؛ و آنکه امام عسکری علیه السلام در محاصره بودند و ارتباط آن حضرت با شیعیان قطع شده بود و ملاقات شیعیان به ویژه هفتاد نفر به صورت جمعی امکان پذیر نبود. نیز ولادت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مخفیانه بود؛ لذا محتوای روایت دور از عقل و منطق و شرع است. هم‌چنین در تفاسیر شیعه به آن استناد نشده و مردود دانسته‌اند.

ج) ناسازگاری با روایت و گزارش‌های دیگر

این روایات با روایات و گزارش‌های دیگری که بیان خواهد شد ناسازگار است؛ زیرا روایت ابی بن کعب که بیان خواهد شد و از نظر سند صحیح است گوید: "انصار مخاطب این آیه بوده‌اند".

د) ظاهر آیه

این آیات در آخر سوره نحل قرار دارد. این سوره به اتفاق مفسران در مکه نازل شده جز آن که گفته‌اند: سه آیه آخر در مدینه در جنگ احد نازل شده است. این موضوع بر اساس همان روایاتی بوده که از نظر سند و محتوا بررسی گردید و قابل استدلال دانسته نشد. به تبع رد آن روایات، این موضوع که این آیات در مدینه نازل شده نیز مردود است. ظاهر این آیات بیان مطالب کلی است که با پیش از هجرت و بعد از هجرت و در هر زمان تطبیق می‌کند و کاربرد دارد و مختص زمان یا موضوع خاصی نیست؛ مثل آیات ۱۹۴ سوره بقره و ۴۰-۴۱ سوره شوری که بر همانندی قصاص دلالت می‌کند و در ظاهر آیه هیچ نشانی نیست که دلیل باشد این آیه در خلال جنگ احد نازل شده، هر چند مفاهیم این آیه با آن واقعه نیز تطبیق می‌کند.

ظاهر این آیه دلالت می‌کند که مشرکان قریش اقدام مسلمانان را تلافی کردند و مسلمانان خواستند تا در برابر اقدام مشرکان تلافی کنند. این موضوع با تمام اتفاقات مکه و مدینه و جنگ‌های بدر و احد و... تطبیق می‌کند؛ زیرا رسول خدا (ص) و مسلمانان، در طول دوران مکی و مدنی با مشرکان قریش درگیر بودند و هر اقدامی در پی عملی پدید می‌آمد و عامل اقدام دیگر بود. هم چنین این آیه به صورت واژه جمع آمده که اگر سخن رسول خدا (ص) بوده و آیه خطاب به آن حضرت نازل شده بود باید به صورت مفرد می‌آمد. آیه بعدی که خطاب به رسول خداست، عطف و ادامهٔ «ادع الی سبیل ربک...» است؛ در این صورت منظور از صبر، پایداری در امر دعوت به دین و به طور کلی استواری در برابر دشمن و نقشه‌های آنان است نه صبر در برابر مثله شدن شهدای احد و خودداری از انتقام گرفتن.

۲. انصار، مخاطب آیه

دیدگاه دوم آن است که این سخن، سخن انصار بوده و آیه آن‌ها را مخاطب ساخته است. (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۳۲۲؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۰۳؛ سمعانی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۱۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۵۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۳۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۵۹۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۴۴؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۱۶) استناد این دیدگاه دو روایت ذیل است که در این باره رسیده:

روایت اول، مخاطب انصار بوده و آیه در فتح مکه نازل شده و ابی بن کعب روایت کرده است:

«أخبرنا الحسين بن حريث، أخبرنا الفضل بن موسى، عن عيسى بن عبيد، عن ربيع، عن أبي العالیه، عن أبي بن كعب، قال: لما كان يوم أحد أصيب من الانصار أربعة وستون رجلاً، ومن المهاجرين ستة، منهم حمزة، فمثلوا به، فقالت الانصار: لئن أصبنا منهم يوماً مثل هذا لئربين عليهم، فلما أن كان يوم فتح مكة، فأنزل الله تعالى: * وإن عاقبتهم... *؛ فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: كفوا عن القوم غير أربعة». (نسایی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۰، ص ۱۴۵، ح ۱۱۲۱۵)

ابی بن کعب گوید:

«در جنگ احد ۶۴ نفر از انصار و شش نفر از مهاجران از جمله حضرت حمزه به شهادت رسیدند و او را مثله کردند. انصار گفتند: "اگر چنین روزی پیش آید افزون خواهیم کرد". وقتی روز فتح مکه فرا رسید، آیه نازل شد: "اگر مجازات می کنید...". پیامبر فرمود: "باز داشته شوید مگر از چهار نفر".»

این روایت را که نسایی آورده، از نظر سند صحیح است؛ زیرا تمام راویانی که در سلسله سند جای دارند تأیید شده‌اند.

حسین بن حریث (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۶، ص ۳۵۸، ش ۱۳۰۳) و فضل بن موسی سینانی (همان، ج ۲۳، ص ۲۵۴، ش ۴۷۵۰) و عیسی بن عبید بن مالک الکندی (همان، ج ۲۲، ص ۶۳۴، ش ۴۶۴۰) و ربیع بن انس البکری، و یقال الحنفی، البصری ثم الخراسانی (همان، ج ۹، ص ۶۰، ش ۱۸۵۳). وی از رفیع ابی العالیة الریاحی روایت نموده (همان، ج ۹، ص ۶۱، ش ۱۸۵۳) و ابی بن کعب بن قیس بن عبید (همان، ج ۲، ص ۲۶۲، ش ۲۷۹) وی از انصار و اصحاب بوده و در جنگ احد حضور داشته و یکی از قراء بوده و مصحفی نیز داشته است. کتاب‌های علوم قرآن و تاریخ، از قرائت‌های او به وفور یاد کرده‌اند. (جزری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۲)

در نتیجه سلسله سند این روایت که ابی بن کعب نقل کرده، همگی از نظر اهل سنت، صحیح و مورد تأییدند. براین اساس، مخاطب این آیه انصار بوده و آیه در فتح مکه نازل شده است. ظاهر آیه که جمع را مخاطب ساخته نیز با این موضوع سازگار است و از نظر محتوا نیز اشکالی ندارد؛ زیرا در این روایت تصریح شده که فقط حضرت حمزه را مثله کرده بودند و به مثله کردن دیگر شهدا اشاره نشده است.

دیگر آن که انصار گفتند: "ما افزون می‌کنیم" که منظورشان کشتن مشرکان بوده است نه مثله کردن کشته‌ها؛ چنان که ادامهٔ روایت که پیامبر (ص) فرمود: "بازداشته شوید جز چهار نفر"، دلیل است که منظور انصار کشتن مشرکان بوده نه مثله کردن جنازه‌های آن‌ها. رسول خدا (ص) نیز در فتح مکه به همه امان دادند و به سپاهیان فرمودند کسی را نکشند، تا چه رسد که مثله کنند. تنها ایرادی که ممکن است وارد شود، نزول این آیات در فتح مکه است و می‌توان گفت: انصار در پایان جنگ احد، تصمیم گرفتند که اگر بر مشرکان دست یابند، این تعداد یا بیش‌تر از آن‌ها را خواهند کشت و آیه نازل شد و مصداق آن در فتح مکه تحقق یافت که رسول خدا (ص) انصار را از انتقام گرفتن منع نمودند.

روایت ابی بن کعب در تعارض با دو روایت پیشین از سه منظر سند و محتوا و ظاهر آیه ترجیح دارد. هرچند سند این روایت صحیح است، تاریخ نویسان و تفسیر نگاران به آن توجه نکرده‌اند. بدیهی است که شهرت روایت ابن عباس و ابوهریره و حتی اتفاق نظر بر آن، دلیل بر درستی نیست و مغفول واقع شدن روایت ابی بن کعب، دلیل بر رد نمی‌شود؛ زیرا بسیاری از وقایع در تاریخ اسلام به ویژه دوره رسول خدا (ص) واقع شده و حق بوده؛ اما تاریخ نگاران نیاورده‌اند. قابل انکار نیست که تمام وقایع دوران آن حضرت ثبت نشده است و بسیاری نیز باطل بوده و به اتفاق آورده‌اند؛ مثل داستان شیر نوشیدن پیامبر (ص) از حلیمهٔ سعدیه و داستان لوح و فشرده شدن رسول خدا توسط جبریل در بعثت و مخفی بودن بعثت به مدت سه سال و ... (وائقی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۹۰، ۳۰۸ و ۴۰۵)

در نتیجه این دیدگاه که مخاطب انصار بوده و آیه در فتح مکه نازل شده، از نظر سند و محتوا ترجیح دارد.

دوم، روایت شعبی که ابن ابی شیبیه نقل کرده و طبری نیز آن را آورده است و گفته که مخاطب انصار بوده‌اند و آیه در جنگ احد نازل شده است:

«عبدالأعلى عن داود بن أبي هند عن الشعبي قال: لما كان يوم أحد وانصرف المشركون فرأى المسلمون ياخوانهم مثله سيئة جعلوا يقطعون آذانهم وآنافهم ويشقون بطونهم فقال أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله: لئن أنالنا الله منهم لنفعلن فأنزل الله: * وإن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن صبرتم لهو خير للصابرين* (النحل: ۱۲۶). فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: "بل نصبر"». (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۶۶، ح ۳۶۷۴۴؛ طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۳۲۳)

شعبی گوید:

«وقتی مشرکان از جنگ رفتند، مسلمانان دیدند که شهدا را مثله کرده‌اند- گوش و دماغ را بریده و شکم‌ها را شکافته‌اند- اصحاب گفتند: "اگر بر آن‌ها مسلط شویم ما هم انجام خواهیم داد..." که آیه نازل شد و پیامبر فرمود: "صبر می‌کنیم".»

این روایت از دو جهت اشکال دارد:

اول از نظر سند ضعیف است؛ چون شعبی در جنگ احد حضور نداشته. وی در سال ششم خلافت عمر به دنیا آمده است (مزی، ۱۴۰۰، ج ۱۴، ص ۲۸، ش ۳۰۴۲) و در نتیجه منقطع است.

دوم، از نظر محتوا نیز اشکال دارد؛ زیرا مشرکان قریش تمام جنازه‌ها را مثله نکرده بودند. این فرصت نیز برای آن‌ها نبوده است. این موضوع با روایات و گزارش‌های دیگر نیز تأیید نشده است. از قتاده و عطا نیز همین روایت شده و جصاص آن را آورده است (جصاص، ۱۴۰۵، ق، ۵، ص ۱۶). قتاده و عطا گویند:

«وقتی مشرکان شهدای احد را مثله کردند، مسلمانان گفتند: "اگر بر آن‌ها چیره شویم، بزرگ‌تر از آن مثله خواهیم کرد" و آیه نازل شد.»

این گزارش نیز قابل استدلال نیست؛ چون سخن این دو در حکم روایت نیست و آن زمان نبوده‌اند. ابن جریح نیز گوید:

"مشرکان تمام شهدا جز حنظله را مثله کردند و انصار گفته‌اند...". (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۳۲۳)

دیدگاه ابن جریح نیز در حکم روایت نیست. علاوه بر این که مشرکان جنازه همه شهدا را مثله نکردند؛ در نتیجه این دیدگاه که مخاطب انصار بوده و آیه در جنگ احد نازل شده نیز باطل است و دلیلی برای اثبات آن غیر از این روایت شعبی و دیدگاه قتاده و عطا وجود ندارد.

۳. نزول آیه، پیش از هجرت و در زمان مکه

در برابر دو دیدگاه پیشین، دیدگاه سوم وجود دارد که آیه پیش از هجرت و در مکه نازل شده و مخاطب و حکم آن عام است و شأن نزول خاصی ندارد و همانند دیگر آیات

الاحکام، حکم قصاص را به طور کلی و برای همه مسلمانان بیان کرده و در همه زمان‌ها جریان دارد. مفسران این دیدگاه را به عنوان یک قول مطرح کرده‌اند. طبری گوید:

«و برخی دیگر گفته‌اند: آن چه آنان بیان کرده‌اند منظور نیست، بلکه منظور آن است که ستم دیده بیش از آن چه به او ستم شده نسبت به ظالم انجام ندهد.» (لم يُعَنْ بِهَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ شَيْءٌ مِمَّا ذَكَرَ هُوَ لَاءٌ، وَإِنَّمَا عُنِيَ بِهِمَا أَنْ مَنْ ظَلِمَ بِظُلْمَةٍ، فَلَا يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَنَالَ مِمَّنْ ظَلَمَهُ أَكْثَرَ مِمَّا نَالَ الظَّالِمَ مِنْهُ).

وی این دیدگاه را از قول مجاهد، ابن سیرین و سفیان آورده است (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۴۲۴). برخی دیگر از مفسران نیز همین سخن را آورده‌اند. این موضوع از ابن عباس نیز روایت شده است. وی گوید: "این آیه و آیات دیگر همانند بقره: ۱۹۴ و شوری: ۴۰ - ۴۱ در مکه و پیش از هجرت نازل شده است." (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۸، ص ۱۰۷، ح ۱۶۰۸۰)

بر این اساس تمام سوره نحل در مکه نازل شده است. اما این روایت از نظر سند ضعیف است؛ چون افزون بر آن که ابن عباس در دوران مکی نبوده، علی بن ابی طلحه که بسیاری از روایات تفسیری را از ابن عباس روایت کرده و یکی از راویان او در تفسیر بوده، با واسطه از ابن عباس روایت می‌کند و واسطه حذف شده است؛ علاوه بر آن که خودش نیز توثیق نشده است (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۰، ص ۴۹۱، ش ۴۰۹۰). معاویه بن صالح نیز تأیید نشده است (همان، ۱۴۰۰ق، ج ۲۸، ص ۱۹۴، ش ۶۰۵۹). در نتیجه، این روایت از نظر سند قابل استدلال نیست.

مواردی که این دیدگاه و گزارش را قوت می‌بخشد عبارتند از:

۱. همه به اتفاق گفته‌اند: سوره نحل در مکه نازل شده است. این که تمام سوره در مکه نازل شده و سه آیه آخر در مدینه نازل شده باشد از این جهت اشکال دارد (چنان که گذشت) که فقط طبری از قول عطا آورده که این سه آیه در مدینه در جریان جنگ احد نازل شده است:

"حدثنا ابن حمید... (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۳۲۳). این موضوع نیز دیدگاه شخصی عطا بوده و نمی‌تواند ثابت‌کننده شأن نزول آیه باشد. خود وی نیز در جنگ احد حضور نداشته است. به علاوه گفتیم که روایات آن از نظر سند باطل است.

۲. ظاهر آیه عام و خطاب به همه مسلمانان در همه زمان‌هاست و شاهدی نیز در آیه، چه از نظر ظاهر و واژه‌ها و چه از نظر سیاق، وجود ندارد که این آیات در جنگ احد نازل شده باشد. اما آیه ۱۲۷ که خطاب به رسول خداست، گفتیم عطف به آیه ادع ... است که از اسلام نیاوردن مشرکان و توطئه آن‌ها دل تنگ بوده و این موضوع بیش تر با محیط مکه سازگار است؛ زیرا توطئه مشرکان بیش تر در مکه بوده است. هم چنین این آیه نشان می‌دهد که آیه پیشین سخن آن حضرت نبوده است. اما این که مسلمانان در مکه آن سخن را گفته باشند نیز پذیرفتنی است؛ زیرا رسول خدا و مسلمانان در مکه از مشرکان آزارهای زیاد دیدند و بدیهی است که قصد انتقام داشتند.

۳. دیدگاه برخی مفسران شیعه

برخی مفسران شیعه، پیامبر(ص) را مخاطب این آیه ندانسته‌اند. شیخ طوسی و طبرسی، در سبب نزول این آیه دو دیدگاه مطرح ساخته‌اند:

دیدگاه اول: مشرکان جنازه شهدای احد را مثله کردند و مسلمان گفتند: "اگر بر مشرکان دست یابیم، بیش از این مثله می‌کنیم". شعبی، قتاده و عطاء آن را گفته‌اند.

دیدگاه دوم: از مجاهد، ابن سیرین و ابراهیم نقل شده که این آیه عام است. (شیخ طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۴۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۶، ص ۶۰۵)

رأی مختار: مخاطب آیه چون دیگر آیات الاحکام عام است و همه مسلمانان در تمام دوران‌ها هستند و شأن نزول خاصی ندارد.

با توجه به باطل بودن مستندات دیدگاه اول، پیامبر(ص) مخاطب آیه نبوده اما این که انصار مخاطب آیه بوده‌اند و در فتح مکه نازل شده، روایت صحیح ابی بن کعب بر آن دلالت می‌کند و موضوع انتقام، کشتن مشرکان قریش بوده نه مثله کردن جنازه‌های آنان. این دیدگاه از نظر سند و محتوا پذیرفتنی است و ترجیح دارد. اما این موضوع که سوره نحل پیش از هجرت و این سه آیه در اواخر بعثت نازل شده باشد، قابل تأمل است و دلیلی بر آن وجود ندارد. اما این که مخاطب انصار بوده و آیه در جنگ احد نازل شده، دلیلی بر اثبات آن نیست. از ظاهر آیه برمی‌آید که مخاطب این آیه مثل بسیاری از آیات دیگر، تمام مسلمانان هستند - چه در سابق و چه در زمان حاضر - و شأن نزول خاصی نداشته است. دلیلی وجود ندارد که

این آیات در جریان جنگ احد و خطاب به رسول خدا یا انصار نازل شده باشد. سیاق آیات نیز بر این موضوع که در خلال آن جنگ نازل شده باشد دلالت ندارد.

نتیجه

۱. آیه ۱۲۶ سوره نحل، در جریان جنگ احد نازل نشده و بیان‌کننده آن اتفاق نیست و مخاطب آن تنها رسول خدا(ص) نمی‌باشد. روایاتی که در این موضوع رسیده، همگی ضعیف و متضاد هستند و از نظر محتوا نیز غیر منطقی و باطل.

۲. گاهی سیره نویسان یا تاریخ نگاران، یک موضوع را با استناد به یک روایت ضعیف و ساختگی گزارش نموده‌اند و آن موضوع شهرت یافته است. این گزارش‌ها باید بازنگری و تحریفات تاریخی و تفسیری از ساحت قرآن و تاریخ زدوده شود. شأن نزول این آیه نیز از همین قبیل است.

۳. از آن جا که از قول ابوهریره و محمد بن کعب قرظی روایت شده، این احتمال وجود دارد که این روایات ساخته و پرداخته یهودیان باشد که خواسته‌اند بگویند رسول خدا و مسلمانان خشونت طلب هستند و آن حضرت براساس یک ناراحتی عاطفی، سوگند یاد کرده که از کشته‌های مشرکان قریش انتقام بگیرد. لذا چون خطا نمودند، خداوند منع کرده است.

۴. این آیه همانند تعدادی از آیات دیگر، به طور کلی در موضوع قصاص و معامله به مثل با مشرکان نازل شده است.

۵. این آیه امروز که جنگ‌های گسترده نظامی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نرم افزاری و رسانه‌ای بین مشرکان و مسلمانان جاری است، یک ضابطه روشن دینی به شمار می‌آید و از جمله آیات الاحکام است که می‌توان احکام فقهی مختلف جنگ و مقابله با دشمن را به خوبی از آن استنباط نمود و شرح و بسط داد.

منابع

۱. ابن ابی شیبیه، ابوبکر عبدالله، **المصنف**، به کوشش یوسف الحوت، ریاض: مكتبة الرشد، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن اثیر جزیری، ابو الحسن علی بن ابی‌الکرم، **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دار الکتب العربی ۱۴۱۷، ق.
۳. ابن اسحاق، ابراهیم، **السیرة والشمال**، به کوشش فاروق حمادة، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۷ م.
۴. ابن عجبیه، احمد بن محمد، **البحر المدید**، به کوشش احمد عبدالله، قاهره: حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۶. ابن هشام، عبدالملک، **السیرة النبویه**، به کوشش طه عبدالرئوف، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۱ ق.
۷. بزاز، ابوبکر احمد بن عمرو، **مسند**، به کوشش محفوظ الرحمان، عادل بن سعد و صبری عبدالخالق، مدینه: مكتبة العلوم والحکم، ۱۹۸۸.
۸. بغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود، **معالم التنزیل**، به کوشش عبدالرزاق المهدي، د بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۲۰ ق.
۹. بیهقی، احمد بن الحسین، **السنن الکبری**، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
۱۰. ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد، **جواهر الحسان**، به کوشش شیخ محمد علی و شیخ عادل احمد، بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. جصاص، احمد بن علی ابوبکر، **أحكام القرآن**، به کوشش محمد صادق القمحاوي، بیروت: دار إحياء التراث، ۱۴۰۵ ق.
۱۲. حاکم، ابوعبدالله محمد، **المستدرک**، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۳. زمخشری، جارالله ابوالقاسم محمود، **الکشاف**، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. سمعانی، منصور بن محمد، **تفسیر القرآن**، به کوشش یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، الرياض: دارالوطن، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، **الدر المنثور**، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، به کوشش احمد حبیب قصیر العاملی، بی جا، بی تا.
۱۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، **المعجم الکبیر**، به کوشش حمدي بن عبدالمجید، قاهره و ریاض: مكتبة ابن تیمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. طبرسی، امین الاسلام، **مجمع البیان**، به کوشش طباطبای یزدی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، **تفسیر**، به کوشش احمد محمد شاکر، مؤسسة الرساله، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۲۰. -----، **تاریخ الطبری**، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، ایران: مكتبة العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.

۲۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **تفسیر صافی**، به کوشش حسین اعلمی، ایران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۲۳. قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لآیات الاحکام**، به کوشش احمد البردونی و ابراهیم اطفیش، القاهرة: دارالکتب المصرية، ۱۳۸۴ ق.
۲۴. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، به کوشش موسوی جزایری، ایران: دار الکتب، ۱۳۶۳ ش.
۲۵. ماوردی، علی بن محمد، **النکت والعیون**، به کوشش سید ابن عبدالمقصود، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۳۶۳ ش.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت: مؤسسة الوفاء، بی تا.
۲۷. مزی، یوسف بن عبدالرحمان، **تهذیب الکمال**، به کوشش بشارعواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ ق.
۲۸. نسایی، احمد بن شعیب، **السنن الكبرى**، به کوشش حسن عبدالمنعم شلیبی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق.
۲۹. واقفی راد، محمدحسین، **نگرش نو به تاریخ اسلام**، ج ۱، بی نا، آفاق غدیر، ۱۳۸۴.
۳۰. واقدی، محمد بن عمر، **المغازی**، به کوشش مارسدن جونز، بیروت: الأعلمی، ۱۴۰۹ ق.
۳۱. هیشمی، نور الدین علی بن ابی بکر، **مجمع الزوائد**، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۲ ق.

Bibliography

- ‘Ayyāshī, Muḥammad b. Mas‘ūd, **Tafsīr al-‘Ayyāshī**, Tehran: Maktaba al-‘Ilmīyya al-Islāmīyya, 2001.
- Baghawī, Ḥusayn b. Mas‘ūd, **Ma‘ālim al-Tanzīl**, edited by ‘Abdurrazāq al-Mahdī, Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth, 1999.
- Bazzāz, Abū-Bakr Aḥmad b. ‘Amr, **Musnad**, edited by Maḥfūz al-Raḥmān (et al.), Medīna: Maktaba al-‘Ulūm wal Ḥikam, 1988.
- Beihaqī, Aḥmad b. Ḥusayn, **al-Sunan al-Kubrā**, edited by Muḥammad ‘Abdulqādir ‘Aṭā, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya, 2003.
- Faiḍ Kāshānī, Muḥammad b. Murtaḍā, **al-Ṣāfi fī Tafsīr al-Qur’ān**, edited by Ḥusayn A’lamī, Tehran: Maktaba al-Ṣadr, 1994.
- Ḥākim Nayshābūrī, Abū ‘Abd-allāh, **al-Mustadrak**, edited by Muṣṭafā Abū ‘Abd-al-Qādir ‘Aṭā, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya, 1991.
- Haythamī, ‘Alī b. Abī-Bakr, **Majma‘ al-Zawā‘id**, Beirut: Dār al-Fikr, 1992.
- Ibn Abī Shayba, Abū-Bakr ‘Abdullāh, **al-Muṣannaf**, edited by Yūsuf al-Ḥūt, Riyadh, Maktaba al-Rushd, 1989.
- Ibn ‘Ajība, Aḥmad b. Muḥammad, **al-Baḥr al-Madīd**, edited by Aḥmad ‘Abdullāh, Cairo: Ḥasan ‘Abbās Zakī, 1998.
- Ibn Athīr al-Jazarī, ‘Alī b. Abī al-Karam, **al-Kāmil fī al-Tārikh**, Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī, 1996.
- Ibn Hishām, ‘Abd-al-Malik, **al-Sīra al-Nabawīyya**, edited by Ṭāhā ‘Abd-al-Ra‘ūf: Beirut: Dār al-Jīl, 1991.

- Ibn Ishāq, Ibrāhīm, **al-Sīra wal Shamā'il**, edited by Fārūq Ḥamāda: Beirut: Mu'assasa al-Risāla, 1987.
- Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram, **Lisān al-'Arab**, Beirut: Dār Ṣādir, 1993.
- Jaṣṣāṣ, Aḥmad b. 'Alī Abū-Bakr, **Aḥkām al-Qur'ān**, edited by Muḥammad-Ṣādiq al-Qamḥāwī, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth, 1985.
- Majlisī, Muḥammad-Bāqir, **Bihār al-Anwār**, Beirut: Mu'assasa al-Wafā', n.d.
- Māwirdī, 'Alī b. Muḥammad, **al-Nukat wal-'Uyūn**, edited by Sayyid b. Abd-al-Maqṣūd, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1984.
- Mazzī, Yūsuf b. Abd-al-Raḥmān, **Tahdhīb al-Kamāl**, edited by Bashār 'Awwād Ma'rūf, Beirut: Mu'assasa al-Risāla, 1980.
- Nassā'ī, Aḥmad b. Shu'ayb, **al-Sunan al-Kubrā**, edited by Ḥasan 'Abd-al-Mun'im Shalabī, Beirut: Mu'assasa al-Risāla, 2000.
- Qummī, 'Alī b. Ibrāhīm, **Tafsīr al-Qummī**, edited by Sayyid Ṭayyib Mūsawī Jazā'irī, Qum: Dār al-Kitāb, 1984.
- Qurtubī, Muḥammad b. Aḥmad, **al-Jāmi' li-Āyāt al-Aḥkām**, edited by Aḥmad al-Bardūnī and Ibrāhīm Aṭfīsh, Cairo: Dār al-Kutub al-Miṣrīyya, 1964.
- Sam'ānī, Manṣūr b. Muḥammad, **Tafsīr al-Qur'ān**, edited by Yāsir b. Ibrāhīm and Ghanīm b. 'Abbās b. Ghanīm, Riyadh: Dār al-Waṭan, 1997.
- Suyūṭī, 'Abdul-Raḥmān b. Abī-Bakr, **al-Durr al-Manthūr fī Tafsīr al-Manthūr**, Beirut: Dār al-Fikr, n.d.
- Ṭabarānī, Sulaymān b. Aḥmad, **al-Mu'jam al-Kabīr**, edited by Ḥamdī b. 'Abd-al-Majīd, Cairo and Riyadh: Maktaba Ibn-Taymīyya, 1994.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, **Jami' al-Bayān 'an Ta'wīl Āy al-Qur'ān**, edited by Aḥmad Muḥammad Shākir, Beirut: Mu'assasa al-Risāla, 1999.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, **Tārīkh al-Umam wal Mulūk**, Beirut: Dār al-Turāth, 1967.
- Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan, **Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān**, edited by Sayyid Faḍlullāh Ṭabāṭabā'ī Yazdī and Sayyid Ḥāshim Rasūlī-Maḥallātī, Tehran: Naṣir Khusruw, 1994.
- Tha'ālibī, 'Abdul-Raḥmān b. Muḥammad, **Jawāhir al-ḥisān**, edited by Shaykh Muḥammad 'Alī and Shaykh 'Ādil Aḥmad, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth, 1997.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan b. 'Alī, **al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān**, edited by Aḥmad Ḥabīb Qaṣīr al-'Āmilī, n.p.: n.d.
- Wāthiqī-Rād, Muḥammad-Ḥusayn, **Nigarishī Nu bi Tārīkh-i Islām**, Qum: Āfāq-i Ghadīr, 2005.
- Wāqidī, Muḥammad b. 'Umr, **al-Maghāzī**, edited by Marsden Jones, Beirut: Dār al-'Ālamī, 1989.
- Zamakhsharī, Maḥmūd, **al-Kashshāf 'an Ḥaqā'iq al-Ta'wīl wa Ghawāmiḍ al-Tanzīl**, Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī, 1987.



فهرست مقالات

- ۹..... بررسی فقه‌الحدیثی و دیدگاه مفسران درباره روایت «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ...»
عبدالعلی پاکزاد | محمود قیوم زاده
- ۳۷ نقد و بررسی شأن نزول آیه ۲۰۷ بقره در روایات فریقین
عزت اله مولایی نیا
- ۶۵..... بررسی «هدایت» در آیه ۲۱ سوره ابراهیم در میراث تفسیری از ره گذر سیاق و تقابل
محسن دیمه‌کار گراب | سیده فرناز اتحاد
- ۹۱ واکاوی تطبیقی دیدگاه مفسران درباره آیه ۶ سوره یس
کرم سیاوشی | محمد صالح جباری
- ۱۱۷..... بازشناسی ماهیت و مؤلفه‌های بدعت از دیدگاه مفسران
محمدجواد جاوری | سید محمدعلی ایازی
- ۱۴۷..... واکاوی نقدهای ابن عادل بر زمخشری در برداشت‌های کلامی- ادبی از آیات در تفاسیر اللباب و الکشاف
کیوان احسانی
- ۱۷۱..... مخاطب‌شناسی در آیه ۱۲۶ سوره نحل
محمدحسین واثقی راد
- ۱۹۱..... بررسی و تحلیل آراء مفسران قرآن از مفهوم «اصطفاء» و «عالمین» در آیه ۴۲ سوره آل عمران
داود اسماعیلی
- ۲۱۹..... تفسیر آیه یازدهم سوره رعد از نگاه مفسران فریقین
محمدجواد اسکندرلو
- ۲۴۳..... اعتبارسنجی روایات فریقین درباره مصادیق آیه ۱۰۱ سوره انبیاء
میثم کهن‌ترانی
- ۲۷۳..... دلالت‌سنجی واژه «البیان» در آیه "علمه البیان" بر نطق و تکلم انسان از نگاه مفسران فریقین
احمد کریمی | فیروز اصلانی الوار
- ۲۹۵..... ارزیابی دیدگاه مفسران درباره «قدم صدق» در سوره یونس، با رویکرد سازگاری سیاق آیات با روایات تفسیری با تأکید بر روایات امامیه
مرضیه قدوسی | سیدمهدی مرتضوی | عاطفه زرسازان

